

## تأثیر اقدامات اصلاحی مورگان شوستر آمریکایی و صف‌بندی‌های موجود در برابر آن در اواخر دوره قاجار

مهدی صلاح<sup>۱</sup>

دانشیار تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان  
تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۲/۱۴؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۲/۲

### چکیده

روند اصلاحات مجلس دوم (۲ ذیقعد ۱۳۲۷ ق / ۱۵ نوامبر ۱۹۰۹ م - ۳ محرم ۱۳۳۰ ق / ۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ م)، که برای احیای بنیان‌های اقتصادی جامعه اواخر دوره قاجار از مورگان شوستر دعوت نموده بود، بسان جدال نسبی بین دو پدیده سنت و تجدد پدیدار گشت. کم نبودند عواملی که در برابر هرگونه تغییر به سنن کهنه موجود در ایران کمک کنند. عملی کردن اصلاحات بنیادین، با وجود مدل خاص اجتماعی ایران، مسیری بود سخت و دشوار و با مقاومت‌های کانون‌های سنتی دوران قاجار همراه بود و چون انجام آن محال و باعث بحران‌های اجتماعی می‌گردید، راهی به جز حذف مبانی اصلاحی برای حکومت قاجار وجود نداشت. این تحقیق، در پی پاسخ به این سؤال است که چه عواملی با چه انگیزه‌هایی در برابر اقدامات شوستر به مقاومت پرداختند؟ در پاسخ به این پرسش، فرض این تحقیق بر آن است که چالش موجود بین دو عامل سنت و تجدد در ماجرای استخدام و سپس انفصال مورگان شوستر تأثیر بسیاری داشت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که علاوه بر عوامل سنتی داخلی، مانند شاهزادگان، وابستگان دربار و زمینداران کلان و ...، که عموماً با هر گونه تغییر در وضعیت موجود مخالفت داشته‌اند، روسیه و انگلیس نیز مخالف احیای بنیان‌های اقتصادی ایران در اواخر دوران قاجار بوده‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** قاجاریه، مجلس دوم، مورگان شوستر، اصلاحات مالی، روسیه، انگلستان

## مقدمه

اصلاحات مورگان شوستر و رویدادهایی که به دنبال این اقدامات در ایران پدید آمد بر اهل تحقیق روشن است. اما آنچه یک دورنمای کلی را به تصویر می‌کشد و شوستر آمریکایی را به نقش یک منجی در می‌آورد مسئله‌ای است اساسی در دوره قاجاریه که مورد توجه تحلیل‌گران تاریخی ایران بوده است. فرضیه اصلاحات یا آنچه ایرانیان در برخورد با تمدن مغرب‌زمین زیر ضربات قوه قهریه دولت روس و در ناز و کرشمه روابط سیاسی با دولت‌های فرانسه، انگلیس، اتریش، آلمان و ... ابداع نمودند، خود به خود صاحبان این فرضیه را بر آن داشت تا به فکر چاره‌ای دیگر باشند. شبه‌تجدد، اقتصاد کمپرادور و تاجرپیشگی شاه و رجال ایرانی در سایه جهل توده‌ها و نبود قوانین شهروندی و فراوانی رعیت مطیع چیزی بود که فرضیه هر نوع اصلاحاتی را باطل می‌نمود. در پیشینه اصلاحات تاریخ قاجار افرادی نظیر قائم‌مقام فراهانی، میرزا تقی خان امیرکبیر، میرزا حسین خان سپهسالار، میرزا علی خان امین‌الدوله و دیگران تلاش‌هایی را در سایه عنایات ملوکانه شاه به راه انداختند، اما ثبات تاریخی سنت، راه را بر تجدد بست. مبارزات مردم شهرنشین در ماجراهای امتیازات و خصوصاً لغو قرارداد رژی و بعد از چندی شروع مبارزات مشروطه‌خواهی ورق دیگری بر این کشاکش بود. انقلاب مشروطیت و اعاده آن نیز با وجود پیشرفت‌های بزرگ نظری در ابعاد واگذاری قسمتی از قدرت به مجلس و نمایندگان مردم، در بخش عملی نتوانست اوضاع مالی، سیاسی و نظامی کشور را بهبود بخشد. اکنون نوبت به مجلس دوم، که نظرات اصلاحی بسیاری در نظر داشت، رسیده بود تا برگی دیگر از کتاب اصلاحات را رقم زند. در این نوشته فرضیه اصلاحات مورگان شوستر، که در راستای اصلاحات ایران در عصر قاجار طراحی شده بود، بررسی شده و یک دورنمای کلی از اصلاحات مورگان شوستر در بعد سیاست خارجی، کشاندن یک نیروی سوم به داخل مناطق نفوذ روس و انگلیس، که در قرارداد ۱۹۰۷ م معلوم شده بود، و همچنین سر و سامان دادن به اوضاع مالی کشور مورد مطالعه قرار گرفته است، و در پایان درباره این نظریه اصلاحی در مرحله اجرا و در مواجهه با تمایلات روس و انگلیس و رجال سنتی ایرانی و از جهت تضاد موجود بین نظرات شوستر و واقعیت‌های موجود جامعه ایران تأملاتی شده است.

## ۱. زمینه تاریخی

با برپایی مشروطیت در ایران، به علت عدم تغییر در زیرساخت‌های کلان اجتماعی، به تدریج اصلاحات این دولت نیز مانند سایر اقدامات اصلاحی در کش و قوس روابط

اشخاص و نیروها قرار گرفت و به جز مجلس اول، که با حضور اصناف تشکیل شده بود، مجالس بعدی حضور نیروهای محافظه‌کار را در پی داشت. گذری کوتاه بر خاستگاه‌های اجتماعی دولت‌مردان و سیاسیون این دوره این مطلب را به اثبات می‌رساند. وجود خوانین و بزرگ‌مالکان (فوران، ۱۳۷۸: ۲۹۳) که در خلع محمد علی شاه شرکت داشتند و حمایت بی‌دریغ روس‌ها و انگلیس‌ها از این رجال تحت‌الحمایه روند حوادث مشروطیت را عوض نمود. این اصلاحات از دیدگاه کلی قابل ملاحظه بودند. دعوت از مستشاران خارجی (سند ۱۱۹۴۶/۲۴۰-۱۱۹۳۴/۱۱۳؛ ۱۲۹۳-۲۶۲۰/۱۱۲-۱۱۲۰۹/۱۱۲) که بتوانند به اوضاع مالی، انتظامی و گمرکات سر و سامانی بدهند، کشاندن یک نیروی سوم غیر از روس و انگلیس به ایران برای مهار این دو نیرو و گسترش روابط با دولتی که در ایران منافع سیاسی و نظامی نداشته باشند مطلبی است که در اول کار جلب نظر می‌کند، اما از دیدگاه عملی زیرساخت جامعه ایران در آن زمان قادر به تحمل چنین مسائلی نبوده، بخصوص اینکه روس و انگلیس در ایران منافع گسترده‌ای داشتند (Reinsch, 1912). مخالفت محکم روس‌ها با ورود مستشاران، کارشکنی‌های انگلیس‌ها، اقدامات تند و قاطعانه شوستر، نقض قرارداد ۱۹۰۷ م عصبانیت روس‌ها را در پی داشت (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۹۸). از سوی دیگر، تضعیف ایران و هرج و مرج سیاسی با سیاست انگلیس مطابقت داشت و با در نظر گرفتن چنین اوضاعی، موفقیت شوستر ناممکن بود.

## ۲. لزوم اصلاحات و مقدمات ورود مورگان شوستر به ایران

آشنایی ایرانیان با پدیده‌های تمدنی جدید اروپاییان، بخصوص در نظام اداری و مالیاتی، و تغییر اوضاع سیاسی به نفع مشروطه‌خواهان زمینه را برای اصلاحاتی که بتواند نظام مالی کشور را به نحو قابل توجهی تغییر دهد آماده ساخت. بعد از ماجرای جریان پارک اتابک و کاهش فشار روس و انگلیس در جریان خلع سلاح مجاهدین، دولت ایران به فکر راهی بود که بتواند خود را در مسیر کشورهای مرفعی بیندازد و سر و سامانی به وضع آشفته مملکت بدهد. موضوع امنیت عمومی، بهبود وضع اقتصادی و تعادل در دخل و خرج مملکت اولین طرحی بود که مورد نظر دولت‌مردان این دوره قرار گرفت (ذوقی، ۱۳۶۸: ۸۳). طرح آن بود که اداره امنیت عمومی و اصلاحات مالی بر طبق اصول کشورهای مستقل پایه‌گذاری شود. نمایندگان مجلس دوم با استخدام مستشارانی از ممالک متمدن و بی‌طرف که دارای سیاست خاصی در ایران نباشند و دو دولت همسایه هم نسبت به آنان بدبین نباشند موافقت کردند (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۶؛ ۱۳۵۵). روس و انگلیس مایل نبودند که در آینده فرانسویان وزارت مالیه ایران و ایتالیایی‌ها ژاندارمری و

اتریشی‌ها قشون را اداره کنند. مجلس نیز از آمریکاییان دعوت به عمل آورد. اینان چون اتباع دولتی بزرگ بودند از تهدیدات روس و انگلیسی‌ها بیمی نداشتند و چون آمریکایی بودند کسی را هم تهدید نمی‌کردند (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۵۵۸). از این رو مورگان شوستر آمریکایی توانست مجوز تلویحی ورود به مناطق نفوذ روس و انگلیس در ایران را به دست آورد (مروارید، ۱۳۷۷: ۲۱۹). میلسپو مسئله ایران را در چرخه سیاست بین‌الملل هم داخلی و هم خارجی می‌داند. او معتقد بود که هر کدام از این نیروها به طرق گوناگون و پیچیده بر یکدیگر اثر می‌گذارند (میلسپو، ۱۳۷۰: ۹). سرانجام، هیأت امریکایی که مأمور انجام اصلاحات بود در ۱۲ جمادی الاول ۱۳۲۹ ق / ۱۲ مه ۱۹۱۱ م وارد تهران شد. سفیر انگلیس در باب لیاقت و کاردانی شوستر در واشنگتن چنین نقل می‌کند که:

مردی است دارای شخصیت قوی قابل ملاحظه و در امانت و درستکاریش جای تردید نیست. نیز چنین می‌نماید که تا حدی خلق و خوی انعطاف‌ناپذیر و روش سخت و محکم دارد. مقررات گمرکی را در جزایر فیلیپین چنان با حدت و شدت به مرحله اجرا نهاد که گاه‌گاه مایه آزار این و آن می‌شد و البته وی را نامحبوب می‌نمود. می‌گویند که سنگ بومیان را بر سینه زده و همین در گذشته تا حدی مایه ناراحتی دولت شده است (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۵۶۰-۵۶۱).

قرارداد بین دولت ایران و شوستر، که توسط میرزا علیقلی خان، شارژ دافر و کفیل سفارت ایران، در واشنگتن منعقد شد، مدت اقامت شوستر در ایران را سه سال تعیین کرد و هزینه مسافرت هیأت و خانواده‌شان را ایران تقبل نمود و آمریکایی هم از حق دخالت در امور مذهبی و سیاسی ایرانیان و حق تجارت در ایران محروم بودند (سند ۲۴۹/۶/۶). همراهان اصلی شوستر عبارت بودند از میکاسکی، با سمت ممیزی، رالف هیلز، محاسب کل، و بروس دیکی، با سمت منشی شوستر، و مستشار دیگری به نام کرنز، که مدیر کل گمرکات فیلیپین بود و بر حسب انتخاب و تقاضای شوستر به سمت ریاست عوارض و مالیات‌ها از همان محل به طرف ایران حرکت کرد (شوستر، ۱۳۶۲: ۶۴-۶۵). شوستر تا قبل از آمدن به ایران از اوضاع ایران اطلاعی نداشت. وی پس از آشنایی مختصری با اوضاع ایران و مطالعه کتاب انقلاب ادوارد براون به ایران حرکت کرد. شوستر و همراهانش، که ۱۶ نفر بودند، از راه پاریس، وین، استانبول، باطوم و باکو عازم ایران شدند. قبل از ورود شوستر به تهران، علیقلی خان نبیل‌الدوله، از رؤسای بهاییان ایران که در آن وقت کاردان سفارت ایران در واشنگتن بود، به محفل بهاییان ایران نامه‌ای نوشت و از آنها تقاضا کرد تا در روز ورود شوستر به تهران استقبال شایانی از وی به عمل آورند (همان، ۱۰). در روز ورود به ایران، شوستر در قریه مهرآباد مورد استقبال چارلز راسل، وزیر مختار وقت آمریکا در تهران، قرار گرفت، اما پس از ورودش به داخل کشور وزیر مختار را رها کرد با قدرت شخصی به کار پرداخت (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۳۱۶). اگر چه

مقدمات ورود شوستر انجام گردید، اما حوادث بعدی جدال عوامل سنتی و مواجهه با افکار و اعمال شوستر را نشان خواهد داد. روس و انگلیس در یک جبهه متحد در کنار شاهزادگان و ملاکان عمده و همچنین رجال محافظه‌کار قرار گرفتند تا در مقابل هر گونه تغییر در نظام مالی مجلس دوم بایستند.

### ۳. اصلاحات اولیه شوستر: کنش تجدد

شوستر اولین اقدامات خود را شروع کرد و دست به اصلاح امور مالی کشور زد (سند ۱۱۲۰/۱/۱۱۲-۲۶۱۲/۲۹۳؛ ۱۱۲۰/۱/۱۱۲-۲۴۹۸/۲۹۳). اولین کامیابی‌های او را وجود پول نقد و استفاده قانونی و محدود از پول‌هایی تسهیل کرد که درست پیش از آمدن وی به ایران از محل وام مأخوذ قبلی تأمین شده بود (آوری، ۱۳۶۳: ۲۹۳). لایحه اخذ این وام ۱/۱۵۰/۰۰۰ لیره‌ای از بانک شاهنشاهی در روز ۳ جمادی الاول ۱۳۲۹ ق / ۲ مه ۱۹۱۱ م از تصویب مجلس گذشته بود. نخستین هدف شوستر نظارت بر مصرف این وام بود و آشکارا در پی آن بود که به قدر کفایت از آن استفاده کند (مستوفی، ۱۳۴۴: ۴۹۳). روزی که شوستر خزانه را تحویل گرفت فقط حواله ۶۰۰/۰۰۰ تومان موجودی در خزانه بود و تعهدات پرداختی دولت نیز، که از دو سال قبل باقی مانده بود، بالغ بر دو میلیون و سیصد هزار تومان می‌شد، در صورتی که یک دینار پول نقد در خزانه موجود نبود (شوستر، ۱۳۶۲: ۱۵). شوستر با اجازه دولت ایران از منابع مالی با شرایط آسان تقاضای وام کرد و سرادارد گری، وزیر خارجه انگلیس، شروع به کارشکنی کرد (کیانفر و استخری، ۱۳۶۳: ۵۸). بالا بردن اختیارات شوستر به واسطه تصویب لایحه‌ای در مجلس (نویسی، ۱۳۳۵: ۲۰۳) و اعطای اختیارات تام در امور مالی و پولی دولت، خزانه، وضع مالیات‌ها و عواید دولتی و تنظیم بودجه و نظارت بر قرضه‌ها و امتیازات در این حیطه اختیاراتی جالب توجه بود (سند ۱۴۷/۶/۵؛ ۲۴۹/۶/۲؛ ۲۴۹/۶/۱). حق تغییرات قوانین مالی و ادعای شوستر مبنی بر پذیرفتن امتیازات و حقوق ویژه خارجی‌ان و اعیان و اشراف تحت حمایت آنان به تدریج بر مشکلات موجود می‌افزود (اوکانر، ۱۳۷۶: ۵۳).

### ۴. عملی شدن اصلاحات، اختلافات شوستر با مرنارد و تداوم نظارت شدید بر

#### امور مالی

پس از وضع قانون ۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۹ اختیاراتی به شوستر داده شد (سند ۱۷۰۷۰/۱/۱۳-۱۷۲۱۱/۲۴۰) که می‌توانست مستشاران خارجی دیگر را تحت نظارت خود بگیرد (یکتایی، ۱۳۳۵: ۳۰). اختلاف او با مرنارد بلژیکی، که جزء مستشارانی بود که در زمان مظفردالدین شاه به ایران آمده بود، از اینجا ناشی شد. مرنارد، که از بازمانده‌های دوران نوز

بلژیکی بود، پس از اخراج نوز، با حمایت روسیه به مدیر کلی گمرکات رسید و پس از ورود شوستر بی‌اعتنا به کارهای خود ادامه می‌داد. ماجرای دعوا بین شوستر و مرنارد از زمانی آغاز شد که مرنارد لایحه‌ای را به مجلس فرستاد تا وامی را در اختیار کمیسونی مرکب از ۱۵ نفر عضو، که ریاست آن را مرنارد به عهده داشت، قرار دهد. با این لایحه شوستر باید به عنوان زبردست مرنارد در آن کمیسیون مالی عمل کند (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۳۰۱). بدین ترتیب، در جمادی الثانی ۱۳۲۹ طبق لایحه‌ای نظارت و تفتیش مخارج کشوری به هیأتی از نمایندگان وزارت‌خانه‌ها و ۷ نفر از اروپاییان مستخدم دولت ایران به ریاست وزیر مالیه و نیابت رئیس گمرکات تشکیل شد تا مخارج را کنترل نماید (نوابی، ۲۵۳۵: ۲۰۴). وجود این کمیسیون باعث درگیری بین مرنارد به‌عنوان رئیس گمرکات و شوستر به‌عنوان خزانه‌دار کل کشور شد. خزانه‌دار کل ایران که بر سر حساب‌های بانک‌های خارجی با مرنارد اختلاف پیدا کرده بود، رفته رفته به فکر کوتاه کردن دست این مستشار بلژیکی افتاد (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۵۶۱). روس‌ها از مستخدمین بلژیکی حمایت کردند و دولت ایران را نسبت به تداوم رفتار شوستر با مرنارد با تصرف کامل گمرکات شمال تهدید نمودند (کوهی کرمانی، ۱: ۴۴). جرج بارکلی طی تلگرافی چنین گزارش داده است: «در ۳۰ ماه گذشته چون موسیو مرنارد به تعلیمات خزانه‌داری کل اعتنایی ننمود ... شوستر باز هم رویه گذشته را در پیش گرفت. این مسئله ادامه داشت و شوستر حاضر به مذاکره نبود، اما سرانجام هر دو را حاضر نمودند. ابتدا با کمی صحبت ظاهراً رفاقتی بین آنها پدید آمد. از آن وقت تاکنون اختلافی بین آنان پیش نیامده است. بنابراین، من اعتماد دارم که ممکن است تصور کنیم این کار اصلاح شده است (کتاب آبی، ۳/۱۳۶۲: ۲۳۸). به تدریج اختلاف شوستر و مرنارد با توجه به موضوعاتی که در خصوص امور مالی کشور به دست می‌آمد بالا گرفت. رویه سنتی و نسبتاً پرحاشیه مرنارد، که بر اساس خواسته‌های روسیه و رجال دربار و ارکان حکومت سنتی قاجار تدوین شده بود، شوستر را، که در پی اصلاح بنیادین امور بود، اقتناع نمی‌نمود.

یکی از اقدامات شوستر در بدو ورودش به ایران برنامه‌ریزی جهت امور مالی و آگاهی از درآمدهای دولت و تنظیم دخل و خرج و تسویه امور مالی ایران بود (سند ۲۴۰/۶۱۰۴-۶۰۹۵/۱۱۳). وی برای آگاهی از دارایی‌های دولت دستور داد که عواید مالیاتی در نزدیک‌ترین بانک شاهی گذارده شود و چنانکه بانکی در محل نباشد، به تجارت‌خانه مورد اعتماد تحویل دهند (آوری، ۱/۱۳۶۳: ۲۹۵). وی همچنین اقداماتی برای رضایت قشون و جلوگیری از تعدیات آنان به مردم به عمل آورد (رامتین، ۱۳۴۱: ۴۶). لغو مالیات نمک، که توسط دموکرات‌های مجلس وضع شده بود و اعتدالیون با آن مخالف بودند، از دیگر

افتخارات اوست (نویسی، ۲۵۳۵: ۲۰۴). شوستر نقشه‌های وسیع و همه‌جانبه‌ای برای اقتصاد، صنعت، نظام، مالیات و سایر امور طرح‌ریزی نمود و طرح مفصلی نیز برای استخراج انواع معادن و همچنین مقرراتی را برای نظارت بر فروش محصولات آن به خارجه تنظیم نمود (سند ۱۵۳۸۴/۵۹۲۳). در داخل کشور نیز برای ایجاد صنایع که بتواند از این مواد معدنی استفاده جویند طرح‌هایی ریخت (شوستر، ۱۳۶۲: ۲۹-۳۰). شوستر ترتیبی داد که مخارج قشون مرکزی، که تا آن موقع از دست رجال بزرگ ایران می‌گذشت، به خزانه-داری کل منتقل گردد (کیانفر و استخری، ۱۳۶۳: ۵۲). این اقدامات اولیه با جواب رد به تقاضای پول سپهدار (نخست وزیر) بالا گرفت. شوستر در پاسخ به نخست وزیر یک ضرب‌المثل آمریکایی آورد: «آیا طریقه و تدبیر مفیدی به نظر شما می‌رسد که بشود خون از سنگ بیرون آورد.» (شوستر، ۱۳۶۲: ۱۱۸). سپهدار شکایت شوستر را به مجلس برد که نتیجه‌ای به دست نیامد. ناراحتی سپهدار از این بود که کلیه قدرتی را که با شمشیر به دست آورده بود، شوستر با قلم نابود ساخته بود (نویسی، ۲۵۳۵: ۲۱۴). در این زمان تهدیدات محمد علی شاه از طریق مرز گمش‌تپه باعث شد که سپهدار دوباره بر سرکار خود بازگردد.

**۵. تقویت نظام مالی کشور با تشکیل ژاندارمری خزانه: تأکید بر گرفتن مالیات**

شوستر برای گرفتن مالیات به فکر ایجاد قوای منظمی افتاد که تحت نظارت اداره مرکزی خزانه باشند و با جبر و بدون ملاحظات شخصی مالیات‌ها را وصول کنند. وی نام این قوه کوچک را، به مناسبت ارتباطشان با کار مالیات و خزانه‌داری، *ژاندارمری خزانه* یا *قراسواران مالیه* نامید (نویسی، ۲۵۳۵: ۲۲۱). دولت و وکلای مجلس هم با این تصمیم موافقت کردند، اما بر سر انتخاب فرماندهی آن روس‌ها مخالفت کردند (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۵۶۲). شوستر فرمانده قشون خزانه را به سرگرد ماژور استوکس داد (نویسی، ۲۵۳۵: ۲۲۲). او که وابسته نظامی سفارت انگلیس در ایران بود و دوره چهارساله‌اش در حال اتمام بود، توانست توجه شوستر را به خود جلب نماید (اوکاتر، ۱۳۷۶: ۵۴). نورمن، معاون وزیر امور خارجه انگلیس، این مطلب را چنین تفسیر کرد که از دیدگاه روسیه انتصاب سرگرد استوکس بی‌نهایت مایه تأسف است، زیرا او به عنصری ضد روسی معروف است (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۵۶۲). انگلیس، هم برای اجتناب از مخالفت‌های دولت روسیه و هم جلوگیری از موقیت شوستر و عدم آسیب به اتباع انگلوفیل، اعلام نمود که اگر ماژور استوکس بخواهد در سمت فرماندهی ژاندارمری خزانه انجام وظیفه کند، باید از مقام خود در ارتش هند استعفا بدهد، چراکه در غیر این صورت، علاوه بر اعتراض روس‌ها، مغایرت با

قرارداد ۲۲ رجب ۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷ م هم بود (میراحمدی، ۱۳۶۸: ۷۹). گری در تلگرافی به استوکس اطلاع داده بود که... «ما با روس‌ها در جلوگیری از استخدام شما موافق هستیم و علتش هم این است که اگر روس‌ها بخواهند افسری به جنوب ایران بفرستند ما مخالفت می‌کنیم» (شوستر، ۱۳۶۲: ۲۱). از طرفی استعفای استوکس از ارتش انگلیس در هند پذیرفته نشد و در نتیجه وی به استخدام ژاندارمری خزانه درنیامد و در ۲۲ ذی الحجه ۱۳۲۹ ق / ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ م ایران را ترک کرد و به هند رفت. ولی با این وجود ژاندارمری خزانه تشکیل شد و در مدت کوتاهی عدد آن به ۱۵۰۰ نفر رسید. همچنین به واسطه اطمینانی که شوستر به سران حزب دموکرات داشت، اکثر صاحب-منصبان ژاندارمری خزانه منسوب به حزب دموکرات بودند و همین مسئله بیش از پیش بر آتش خشم روس‌ها افزود (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۶/۱۳۷۶).

۶. بازی‌های سیاسی روس و انگلیس برای مهار اقدامات شوستر: واکنش سنت  
با برکناری کابینه سپهدار و روی کار آمدن کابینه صمصام‌السلطنه در ۲۹ رجب ۱۳۲۹ ق / ۲۶ ژوئیه ۱۹۱۱ م، اشتغال عمده این کابینه دفع محمد علی میرزا و برادرانش، ابوالفتح میرزا سالارالدوله و ملک منصور میرزا شعاع‌السلطنه بود (نوبی، ۲۵۳۵: ۲۳۰). صمصام‌السلطنه برنامه‌ای را به مجلس پیشنهاد کرد تا بتواند در جهت تقویت اصلاحات اختیارات بیشتری را نیز به دست آورد. از جمله طرح‌های وی افزودن قدرت دولت، مبارزه با عدم مرکزیت و مشخص کردن قوانین مبهم در رابطه با دولت و ایجاد قوای منظم و تشکیل ژاندارمری تحت اختیار سوئدی‌ها و اصلاح امور مالیه و عدلیه بود (سند ۴۳۲۳/۱/۱۳-۴۳۲۸/۲۴۰). در این اوضاع محمد علی میرزا سعی می‌کرد که با همکاری روس‌ها تخت شاهی خود را مجدداً به دست آورد. به هر علت، حمایت روس‌ها از محمد علی میرزا را «آمدن مستشار مالیه امریکایی موسوم به مورگان شوستر به ایران می‌دانند که معروف بود این کار با موافقت دولت بریتانیا صورت گرفته و دموکرات‌ها هم از او حمایت می‌کنند» (بهار، ۱/۱۳۵۷: ۷). روس‌ها علناً به حمایت از محمد علی شاه برخاستند و حتی پاکلوسکی کوزیل، وزیر مختار روسیه، در ضیافت شامی که ترتیب داده بود و شوستر نیز در آن حضور داشت، در گوشه خلوتی با شوستر صحبت از توحش ایرانیان کرد و صریحاً از او سؤال نمود که آیا بعد از استقرار محمد علی میرزا باز هم شوستر مایل به ادامه همکاری با ایران خواهد بود یا نه؟ و اضافه نمود که «اگر با ادامه خدمت خود در ایران از هم اکنون موافقت بکنید، حاضر می‌باشم در مقام وزارت مالیه را با اختیارات تام برای شما تضمین بکنم» (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۵۷۸). اما شوستر در پاسخ و



با مهارت دیپلوماتیک خود چنین جواب داد: « من تعهد کرده‌ام که تا آنجا که می‌توانم و از من بر می‌آید به دولت ایران خدمت کنم، ولی چندان مایل نیستم در زیر نفوذ و قدرت محمد علی میرزا لحظه‌ای بمانم.» (نویسی، ۲۵۳۵: ۲۵۵) این نوع تفکر و اقدام اضلاع محوری جبهه سنت را، که انگلیس و روس اساس آن را تشکیل می‌دادند، در برابر شوستر متحد نمود. بعد از چندی کنسولگری‌های روسیه نیز با جوسازی خبر پیشرفت محمد علی میرزا و قوای استبداد را پخش کردند و علاقمندان شاه سابق را تحریک می‌کردند و حتی گاهی افرادی چون شجاع‌الدوله، رشیدالملک، شجاع نظام و دیگران را که عمال روس بودند به قیام علیه مشروطیت وادار کردند (کیانفر و استخری، ۱۳۲۹: ۵۲).

انگلستان، با توجه به گرفتاری‌های جدی دولت ایران در اعاده نظم در صفحات جنوب، قصد خود را دایر بر اعزام سپاهیان هندی به فارس اعلام کرد و متعاقب آن در ۳ ذی‌القعدة ۱۳۲۹ ق / ۲۷ اکتبر ۱۹۱۱ م اولین دسته سربازان هندی وارد بوشهر شدند. روس‌ها در همان روز اعلام کردند که ۲۰۰ سرباز در بندر انزلی پیاده خواهند کرد و در پی آنان ۱۷۰۰ سرباز دیگر روسی وارد ایران شد (براون، ۱۳۵۱: ۵۷). در داخل نیز ائتلافی که بین دموکرات‌ها و اعتدالیون به وجود آمد باعث اتکای آنان به دولت و تضعیف موقعیت آنان شد و در نتیجه به تضعیف موقعیت شوستر انجامید (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۳۲۰). اوضاع مالی نیز بحرانی بود و تجار و متمولین از دادن مالیات خودداری می‌کردند. همچنین هزینه جنگ نیز فشار سنگینی را بر مالیه ایران می‌گذاشت. شوستر کوشید مالیات‌گریزان بزرگ را مجبور به پرداخت مالیات کند (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۷/۱۴۵۲). بسیاری از رجال بزرگ متمول ایران، مانند علاءالدوله و سپهدار و فرمانفرما، مبلغ زیادی مالیات عقب‌افتاده داشتند و از پرداخت آن ابا می‌کردند. شوستر به زور مالیات‌ها را از آنان گرفت (نویسی، ۲۵۳۵: ۲۷۵). وی برای اولین بار توانست با دریافت دقیق مالیات به نمایندگان سیاسی ایران در خارج، که همیشه حقوق و مواجب خود را چند ماه بعد دریافت می‌کردند، به موقع حقوق پرداخت کند و از توسل آنان به کشورهای بیگانه جلوگیری کند (کیانفر و استخری، ۱۳۲۹: ۵۳). این اقدامات ضلع دوم جبهه سنت را علیه شوستر تحریک کرد و به فعالیت واداشت.

نظر به اینکه شعاع‌السلطنه و سالارالدوله بر ضد حکومت مشروطه قیام کرده بودند، شوستر خود را مکلف می‌دید که کلیه اموال آنها را توقیف نماید (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۷/۱۴۴۵). بدین ترتیب، در روز ۱۰ شوال ۱۳۲۹ ق / ۲ اکتبر ۱۹۱۱ م هیأت وزرا حکم مصادره اموال آنان را صادر کرد و پس از تأیید مجلس، آن را برای اجرا به خزانه‌دار کل ابلاغ نمود (سند ۱۹/۱۵۶/۱-۱۹/۱۵۶/۲؛ ۲۷۰۶/۲۹۳-۱۱۲/۱۱۲۹۵). دولت ایران نیز از راه حزم و احتیاط

حکم مذکور را به‌وسیله وزیر امور خارجه وقت، وثوق‌الدوله، به اطلاع سفرای روس و انگلیس رساند (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۷/۱۴۴۵). با اجرای حکم توسط شوستر مبنی بر ضبط و محاسبه اموال، دو تن از اعضای کنسولگری روسیه به همراه چند قزاق به دستور سرکنسول پوختیونوف، که با تلفن یکی از قزاق‌های مأمور عمارت مطلع شده بود، به طرف محل حرکت کردند و وارد عمارت شدند (سند ۱۹/۱۵۶/۶-۱۹/۱۵۶/۸؛ ۷۶۳۶۳/۲۴۰-۷۶۳۶۳/۱۱۳). مأموران روسی مانع انجام کار شدند، زیرا که اموال شاهزاده در حمایت روس بود (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۵۸۹). پوختیونوف اقدام خود را به اطلاع دولت متبوعش رساند:

با توجه به این حقیقت که این خانه، همچنین املاک شاهزاده در گرو وام‌های او به بانک ما است، من بطروف و هلیدبراند را همراه با چهار نفر قزاق فرستادم و دستور دادم که متجاوزان به حقوق ما را طرد کنند و این کار توسط کسانی که فرستاده بودم بدون زد و خورد انجام گرفت (همو، ۵۸۹).

وقتی شوستر از جریان امر مطلع شد، موضوع را تلگرافی به سفیر روسیه در زرگنده اطلاع داد:

اطمینان دارم که آن جناب این اقدام مأموران خود را کاملاً بلامجوز و غیرقانونی خواهد دانست و به همین سبب دوستانه از شما تقاضا دارم که فوراً به کنسولگری خود دستور دهید که قوای خود را خارج کنند.

شوستر برای تأیید و تأکید مطلب خود نامه‌ای هم به این مضمون به سفیر روس می‌فرستد:

از آنجاکه حکم کابینه وزرا حتمی‌الاجرا است و مجبورم که آن را به مورد عمل بگذارم، مقتضی دانستم که به شما اطلاع بدهم که ساعت ۱۰ فردا هیأتی برای تصرف باغ مورد بحث فرستاده می‌شود. صمیمانه توقع دارم که اقدامی بفرمائید که موجب حدوث واقعه ناگواری نشود.

پاکلوسکی در جواب چنین پاسخ می‌دهد:

اگر تمام حقوق اتباع روسی تأمین شود، سفارت روس با اقدامات علیه املاک شعاع‌السلطنه مخالفتی نخواهد داشت بلکه او را مسؤل هر ادعائی خواهد دانست که اتباع روس ممکن است نسبت به شاهزاده داشته باشند (همو، ۵۹۰).

شعاع‌السلطنه، که خود را تبعه دولت عثمانی نموده بود، اموال خود را در سند مجعولی به بانک روس به رسم گرو سپرد تا بتواند با این مکر املاک خود را حفظ کند (نوابی، ۲۵۳۵: ۲۵۶). این ترفند برای روس‌ها زمینه مداخلات زیادی را فراهم نمود. حقیقت آن بود که اقدامات مورگان شوستر مخالف با منافع روسیه بود. آن‌ها از جدیت و مساعی مورگان شوستر نخست شکایت می‌کردند (سند ۱۹۲/۳۶۰-۱۳۱۲ آ و ۱) و می‌گفتند شوستر نظارت در تمام ادارات ایران را می‌خواهد و خواهان دادن درس عبرتی به ایران می‌شوند (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۵۹۴). با این احوال، عمال روسی زمینه را برای برخوردی شدید با شوستر آماده می‌کردند.

### ۷. شکستن سنت: قرارداد ۱۹۰۷ با انتصاب لکفر به پیشکاری مالیة آذربایجان

شوستر برای متمرکز ساختن حساب‌ها و آگاهی از میزان واقعی درآمد کشور و ایجاد جو اعتماد به بانک‌ها و به تبع آن دولت سعی بر آن داشت که از افراد ثروتمند مالیات را به صورت حقیقی و واقعی بگیرد، چراکه بعضی از افراد به انحاء مختلف به فکر فرار از مالیات بودند. یکی از این افراد میرزا ابراهیم خان معتمدالسلطنه، پیشکار مالیة آذربایجان، بود که حاضر به اطاعت از شوستر و خزانه‌داری کل نبود. شوستر او را عزل کرد و به جای او لکفر انگلیسی به این سمت گمارده شد. وی مأمور شد تا هزینه‌های دوسالۀ تبریز را، که تقریباً یک میلیون تومان می‌شد، مورد بررسی قرار دهد (شوستر، ۱۳۶۲: ۲۰۷). روس‌ها بلافاصله با این انتصاب مخالفت نمودند (همان جا). لکفر از نظر شوستر فردی بود که بر زبان فارسی مسلط و مطلع از پیچیدگی‌های نظام مالیاتی و وضع عمومی تبریز بود. شوستر، ضمن شکستن سنت‌های مناطق نفوذ دول بزرگ مبتنی بر قرارداد ۱۹۰۷ (کیانفر و استخری، ۱۳۲۹: ۳۸ - ۳۹)، گرچه قانوناً حق دخالت در امور سیاسی ایران را نداشت، اما خود به خود به دلیل وظایفی که به او محول شده بود به میدان سیاست کشانده شد. اگرچه در ماده سیزدهم قراردادی که با شوستر بسته شده این مطلب آمده بود (سند ۲۴۹/۶/۶)، شوستر نمی‌توانست قرارداد ۱۹۰۷ را به رسمیت بشناسد و مستقلانه برای اصلاح امور مالی اقدام کند. از این رو، روس و انگلیس دیگر وجود او را تحمل نکردند و شروع به فتنه‌انگیزی علیه او نمودند (سند ۲۹۳/ ۲۶۱۰/ ۱/۱۲ - ۱۱۱۹۹/۱۱۱۹۹). شوستر مبنای کار خود را بر عدم پذیرش امتیازات روس و انگلیس قرار داد و می‌گفت تقسیم ایران به دو قدرت روس و انگلیس مربوط است و ایران نیز چنین قراردادی را، حتی اگر بدون اطلاعش باشد، نباید به رسمیت بشناسد. آنچه او می‌گفت کاملاً ذهنی بود و طرح آن در حقوق بین‌الملل و در محافل روشنفکری بحث‌های جالبی پیش کشید، اما در عمل کارساز نبود (اوکانر، ۱۳۵۴: ۵۴).

### ۸. روس‌ها و اعمال فشار بر دولت ایران، اولتیماتوم اول و انفعال دولت ایران

اولتیماتوم اول روسیه به ایران در ۱۹ ذی‌القعدة ۱۳۲۹ ق / ۱۱ نوامبر ۱۹۱۱ م به دولت ایران داده شد. جریان استخدام اتوکس، مخالفت با مرنارد، انتصاب لکفر به مالیة آذربایجان و قضایای ضبط اموال شعاع‌السلطنه نوع رفتار شوستر را برای روس‌ها مشخص نموده بود. روس‌ها در طی یادداشت اعتراض‌آمیزی از دولت ایران خواسته بودند که ژاندارمری‌های خزانه را بردارد و به جای آنها از قزاق‌های ایرانی بگمارد و همچنین به خاطر هتک حرمت مأموران کنسولگری روس، دولت ایران رسماً معذرت‌خواهی کند.

وثوق‌الدوله، وزیر امور خارجه نیز که با شوستر بر سر انتصاب لکفر به جای پدرش اختلاف داشت، عنوان کرده بود که کابینه نیز روش کار شوستر را نپسندیده و مایل به مهار اوست و از روس‌ها خواسته بود که در این امر زیاد تعجیل نکنند، چراکه باعث محبوبیت بیشتر شوستر خواهد شد (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۵۹۷). کابینه صمصام‌السلطنه در خصوص این موضوع تشکیل جلسه داد و بالاخره به سراغ شوستر رفتند و نظر او را جویا شدند. جواب این بود که «گرچه مطالبات دولت روس به کلی خارج از قانون و ظالمانه است، ولی اگر کابینه دولت ایران در حفظ حقوق و استقلال خود مجدّد و ثابت‌قدم باشد، انجام این معامله بسیار مشکل خواهد بود» (شوستر، ۱۳۶۲: ۲۰۳). کابینه به درخواست‌های روس مبنی بر فراخواندن ژاندارم‌ها از املاک و اموال شعاع‌السلطنه پاسخ منفی داد و یادآور شد که به سفارت روس اخطار قبلی شده بود حاکی از آن که حقوق اتباع روسیه محفوظ بوده و از سرکنسول روس تقاضا شده بود که به موجب قانون از مداخله در این امر خودداری کند، و با توجه به این که از مأموران ایرانی تقصیری سر نزده، تقاضای روسیه موهن بوده است (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۵۹۹). فشار روس‌ها باعث شد که رجال و مقامات ایرانی، به جای مبارزه و یا اندیشیدن راه صحیح، دست به دامن دولت استعماری انگلیس شوند و بدین ترتیب سر ادوارد گری توسط بارکلی به دولت ایران پیغام داد که دولت ایران چاره‌ای جز قبول التیماتوم روس و معذرت خواستن از آن دولت ندارد. (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۷/۱۴۵۳). همچنین وی به ایران قول داده بود که در صورت معذرت‌خواهی، روس‌ها نیروهای خود را از ایران خارج خواهند کرد، ولی به قول شوستر معلوم نبود که سر ادوارد گری به کدام وثیقه و اطمینان و به موجب کدام حکم دولت ایران را به قبول خواسته‌های روس اطمینان داده بود (شوستر، ۱۳۶۲: ۲۱۰). سرانجام صمصام‌السلطنه به شوستر دستور داد که ژاندارم‌ها را از املاک شعاع‌السلطنه بردارد، ولی شوستر زیر بار نرفت و عنوان کرده بود که دستور توقیف اموال مذکور از طرف هیأت وزرا صادر شده و لغو آن نیز باید به امضای همه اعضای کابینه برسد. صمصام‌السلطنه تظاهر به استعفا کرد و از سویی این کار بدان معنا بود که دیگر کسی نبود که پاسخ اولتیماتوم را بدهد. این در حالی بود که دولت انگلیس با تقاضای روسیه برای اخراج شوستر مکرراً موافقت داشت (کیانفر و استخری، ۱۳۲۹: ۶۰). در روز ۲۶ ذی‌القعدة ۱۳۲۹ ق / ۱۸ نوامبر ۱۹۱۱ م سفیر روس به دولت ایران اطلاع داد که چون التیماتوم دولت روسیه از طرف ایران پذیرفته نشده، از این تاریخ روابط سیاسی میان دولتین قطع شده و کارهای تجارتي کما فی‌السابق توسط کنسولگری روسیه انجام خواهد گرفت. وی همچنین اعلام کرد که سپاهیان روسی مأمور ورود به خاک ایران شده‌اند (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۷/۱۴۵۴). از سویی

نراتوف نگران از حمایت دولت امریکا از شوستر بود، ولی گیلد، سفیر امریکا در پترزبورگ، نگرانی روسیه را برطرف کرد و چنین اعلام کرد که «دولت ایالات متحده امریکا اساساً علاقه‌ای به سرنوشت شوستر ندارد، زیرا طرز کار او را نمی‌پسندد. چنانچه دولت روسیه اخراج شوستر را از خدمت دولت ایران خواستار باشد، ایالات متحده امریکا از هرگونه دخالتی خودداری خواهد کرد».

در این ایام صمصام‌السلطنه مجدداً مأمور تشکیل کابینه شد. مقارن تشکیل کابینه، اولین بخش از نیروهای رزمی روسیه وارد بندر انزلی شدند. همچنین در این اوضاع و احوال مدت قانونی مجلس نیز در حال پایان یافتن بود و شرایط برای انجام انتخابات نیز مهیا نبود، چراکه در اواخر دوره دوم مجلس نفوذ روسیه تزاری به حد اعلاى خود رسیده بود و قوای نظامی آن در قسمت‌هایی از ایران متمرکز بود و اگر انتخابات دوره سوم هم جریان می‌یافت، قطعاً شرایط برای نفوذ بیشتر روسیه فراهم می‌گشت (مکی، ۱۳۵۸: ۱۰۳). از طرفی طبق قانون اساسی ادامه مجلس اساساً صحیح نبود و عده‌ای عقیده داشتند که در غیاب مجلس ممکن است مشروطه از بین برود (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۳۲۴). بدین ترتیب بود که در ۲ ذی‌القعدة ۱۳۲۹ ق/ ۲۴ اکتبر ۱۹۱۱ م مذاکراتی در باب تمدید مجلس دوم صورت گرفت و قرار بر این شد که مهلت مجلس دوم تمدید گردد. اما در این مورد اختلاف نظرهایی وجود داشت (همان جا). بالاخره ادامه دوره مجلس با ابتکار بعضی نمایندگان (مذاکرات مجلس دوم، شماره ۳۲۲: ۱۸۷۸) تمدید شد.

## ۹. اولتیماتوم دوم روسیه و اقدام استقلال طلبانه مجلس دوم

پنج روز پس از پذیرفتن اولتیماتوم اول توسط ایران، روس‌ها در چهارشنبه ۷ ذی‌الحجه ۱۳۲۹ ق / ۲۹ نوامبر ۱۹۱۱ م اولتیماتوم دوم خود را توسط مترجم سفارتشان به وزیر امور خارجه ایران تسلیم کردند. متن اولتیماتوم دوم خطاب به دولت ایران به شرح زیر بود:

چنانچه روز جمعه، ۲ ذی‌الحجه ۱۳۲۹ ق/ ۲۴ نوامبر ۱۹۱۱ م افتخار اظهار حاصل نموده بودم، منتظر حکم دولت متبوعه خود بودم که علتی را که دولت روس را مجبور به اولتیماتوم دیگر نمود اظهار نمایم. احکام مزبور اکنون به من رسیده و از این جهت از جانب دولت روس افتخار اظهار مطالب ذیل را به جنابعالی حاصل می‌کنم: ۱- انفصال مستر شوستر و مسیو لکفر از خدمات مرجوعه به ایشان. تکلیف سایر مأمورین امریکایی که مستر شوستر ایشان را انتخاب نموده بعد معین می‌شود. ۲- اطمینان و وعده صریح دولت تهران که من بعد بدون رضایت سفرای انگلیس و روس مأمورین اجنبی برای خود انتخاب نکنند. ۳- دولت ایران جبران خسارت دولت روس در ازای لشکرکشی و سوق لشکر بنماید. تعیین مقدار و طریقه تأدیه خسارت مزبوره بعد از رسیدن جواب دولت ایران معین خواهد شد (شوستر، ۱۳۶۲: ۲۱۳).

این دستورات، که با حواشی بسیاری برای اجرا در ۴۸ ساعت آتیه از سوی روس‌ها تدوین شده بود، برای ایرانیان بسیار وهن‌آور بود، اما دولت ایران در قبال این مداخلات چه برخوردی از خود نشان داد؟

صمصام‌السلطنه کابینه جدید خود را در ۲ ذی‌الحجه ۱۳۲۹ ق/ ۲۴ نوامبر ۱۹۱۱ م تشکیل داد و اولتیماتوم اول روس‌ها را نیز پذیرفت، در میان اعضای کابینه وی کسانی به چشم می‌خوردند که تمایلات روسی داشتند. میرزا حسن خان اسفندیاری ملقب به محتشم‌السلطنه، که مورد سوءظن دموکرات‌ها بود، به وزارت عدلیه منصوب شد (ملکزاده، ۱۳۶۳: ۷/۱۴۵۶). پس از معرفی اعضای دولت، شاهزاده سلیمان میرزا اسکندری، رهبر حزب دموکرات، پشت تربون مجلس قرار گرفت و نطق مفصلی در مورد اعضای دولت کرد، به این شرح که در ضمن بیانات خود از اعضای کابینه اظهار بی‌اعتمادی کرد (مناکرات مجلس دوم، شماره ۳۲۷: ۱۹۱۵). پس از آن افتخارالواعظین، از اعضای اعتدالی مجلس، قطعنامه‌ای در حمایت از دولت قرائت کرد، صمصام‌السلطنه، که از سخنان دموکرات‌ها به شدت عصبانی شده بود، به دموکرات‌ها توهین کرد (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۳۲۸). توطئه روس‌ها و مسئله کمبود نان، که به عنوان اهرمی جهت فشار بر دولت و مردم استفاده می‌شد، این بار هم مزید بر اوضاع بد دولت شد (آوری، ۱۳۶۳: ۳۰۶). اما این اقدام روس‌ها نیز توسط دوراندیشی شوستر خنثی شد، بدین صورت که انبارهای دولتی را پر از غله نگاه داشته بود و اقدامات جدی نیز انجام داده بود که این غله به طور متساوی بین قشون تقسیم شود و جلوی فتنه قحطی گرفته شود (کیانفر و استخری، ۱۳۲۹: ۵۳).

باید یادآور شد که این اقدامات مانع از آن نبود که دولت از حالت انفعالی که در خصوص شوستر در پیش گرفته بود بیرون بیاید. صمصام‌السلطنه، که به هر جهت از حضور شوستر و آزادی او چندان رضایت نداشت، با ضرب و شتم مأمورین خزانه و خلع سلاح آنها در ماجرای گرفتن مالیات علاءالدوله اولین اقدام علیه شوستر و اصلاحات او را به نمایش گذاشت (مروارید، ۱۳۷۷: ۲۷۳).

با پایان مهلت ۴۸ ساعته روس‌ها در روز جمعه ۹ ذی‌الحجه ۱۳۲۹ ق / ۱ دسامبر ۱۹۱۱ م، دولت ایران باید به روس‌ها پاسخ می‌داد. در این روز همه منتظر رأی مجلس بودند و مردم گروه گروه به سوی مجلس شواری ملی می‌رفتند تا از کم و کیف قضیه و رأی مجلس آگاه شوند. تنی چند از اعضای کابینه همراه با صمصام‌السلطنه به مجلس آمده بودند تا نظرات خود را بیان کنند. ابتدا وزیر خارجه، وثوق‌الدوله، چنین اظهار کرد که «همه اعضای دولت متفقاً موافقتند که درخواست‌های روس پذیرفته شود» (مناکرات مجلس دوم، شماره ۳۲۹: ۱۹۱۷) و در پایان چنین وانمود کرد که دولت آنچه دستور مجلس

باشد را رفتار خواهد کرد (کسروی، ۱۳۴۶: ۲۳۹). برخی نمایندگان مجلس نیز علیه اولتیماتوم نطق کردند. صمصام‌السلطنه با دیدن مقاومت نمایندگان و اتمام وقت اولتیماتوم روس‌ها، از مجلس خواست تا اولتیماتوم روس را بپذیرد (شوستر، ۱۳۶۲: ۲۲۶) که با جواب منفی نمایندگان (مروارید، ۱۳۷۷: ۲۷۳). مجلس تکالیف دولت روس را منافی استقلال مملکت دانست (مذاکرات مجلس دوم، ۱۹۲۰) و همچنین در این جلسه وکلای تندرو، مخصوصاً نمایندگان دموکرات‌ها، عدم اعتماد خود را نسبت به هیأت دولت اعلام داشتند و اظهار داشتند که قبل از آنکه تکلیف اولتیماتوم روس معین شود، باید یک دولت مورد اعتماد بر سر کار آید (ملک‌زاده، ۷/۱۳۶۳: ۱۴۶۲). با رد التیماتوم، دولت ایران آمادگیش را جهت مذاکره در مورد تعدیل مواد اولتیماتوم اعلام کرد. روس‌ها نیز به قصد تهاجم نظامی آماده شدند و انگلیسی‌ها از این تحرکات ابراز نگرانی کردند (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۶۱۱). روس‌ها از دولت ایران انتظار تبعیت مطلق و عزل شوستر را داشتند. اما هم انگلیس و هم مردم ایران می‌ترسیدند که مبدا معنی این کار برگرداندن محمد علی شاه بر سر قدرت باشد. در این زمان وثوق‌الدوله در تلاش برای قبول التیماتوم و برکناری شوستر بود و روسها نیز در پی اشغال تهران بودند (همو، ۶۱۸). مذاکرات بین دولت و مجلس ادامه داشت تا بالاخره تصمیم به رأی‌گیری شد. پیشنهاد شد که کمیسیونی از مجلس شورای ملی انتخاب شود تا به اتفاق هیأت وزرا و رئیس مجلس شورای ملی در تحت ریاست و نظارت نایب‌السلطنه با اختیارات با دولت روس مشغول مذاکره شوند تا به هر نحو که صلاح بدانند قضیه را خاتمه دهند (مذاکرات مجلس دوم، ۱۹۲۸). دلایل کوتاه آمدن مجلس به این شرح است که در این هنگام سپاهیان روس با توپخانه و قورخانه از رشت به قزوین شتافتند و آسیب آن برای ایران بسیار بود. نیز چون اولتیماتوم با هماهنگی دولت انگلیس آماده شده بود، کارکنان آنان در تهران همه سعی در فرونشاندن جوش و خروش مردم داشتند. در این میان خبر مرگ آخوند خراسانی به این قضایا افزوده شد. این‌ها اتفاقاتی است که پیاپی روی داد و از نیروی ایستادگی مردم تهران کاست (کسروی، ۱۳۴۶: ۲۴۷). از سویی ورود سردار اسعد به تهران نیز مقارن این ایام کفه ترازوی نایب‌السلطنه و هیأت وزرا را، که طرفدار قبول اولتیماتوم بودند، در مقابل ملت و مجلس سنگین کرد (ملک‌زاده، ۷/۱۳۶۳: ۱۴۷۲). به خواهش سردار اسعد، یفرم تمام قوه و نفوذ خود را برای قبول اولتیماتوم به کار برد و به رئیس مجلس اعلام کرد که مجلس باید تا چهار ساعت دیگر اختیار تام به دولت بدهد تا دولت بتواند به این وضع خطرناک خاتمه بدهد و با روس‌ها سازش کند و در صورتی که مجلس تمکین نکند، مصالح عمومی ایجاب می‌کند که مجلس قربانی مملکت بشود نه مملکت فدای مجلس (همو، ۱۴۷۴). از سویی

چون با تشکیل کمیسیونی برای حل مسئله اولتیماتوم موافقت شد، در این کمیسیون ناصرالملک تأکید بر قبول خواست روسیه کرد و سید حسن مدرس بر ایستادگی و جنگ تأکید داشت، اما نهایتاً خواست ناصرالملک پذیرفته شد (دهخوارقانی، ۱۳۵۶: ۱۰۷-۱۰۸). در آخرین دقایق روز پنجشنبه ۲۹ ذی‌الحجه ۱۳۲۹ ق/ ۲۱ دسامبر ۱۹۱۱ م یادداشت امضاء شده را به نزد سفیر روس بردند و سفیر روس نیز اعلام کرد که قشونی که بنا بود به سمت تهران بیایند حرکت نخواهند کرد (همو، ۱۰۸). بدین ترتیب، اولتیماتوم روس‌ها در نتیجه ضعف دولت و مجلس، علی‌رغم تمام شعارها و ایستادگی‌ها، پذیرفته شد و بار دیگر قدرتهای بزرگ در اجرای نقشه خود موفق شدند و اندیشه‌های نوخواهانه در مقابل سنت موجود باز هم قربانی شد. اما روس‌ها حتی با پذیرفتن اولتیماتوم نیز اهداف خود را تأمین شده نمی‌دیدند و خواهان آن بودند که مجلس تنها انجمنی باشد برای کار قانون‌گذاری و باید از سیاست عملی برکنار باشد (کسروی، ۱۳۵۴: ۲۲۸).

#### ۱۰. شکست اصلاحات و انحلال مجلس دوم

مجلس در ابتدا با حمایت توده مردم در برابر اولتیماتوم مقاومت کرد و در برابر روس‌ها و همچنین دولت و نایب‌السلطنه، که خواهان پذیرش اولتیماتوم بودند، جواب منفی داد، اما تهدیدات روس و ترویج جو رعب و وحشت در مجلس و سستی عناصر وابسته به روس و انگلیس نمایندگان مجلس را دچار واهمه کرد و برای فرار از مسؤولیت آنان نیز تشکیل کمیسیونی را که قبلاً ذکر شد مطرح کردند و بالاخره کمیسیون نیز رأی به پذیرش اولتیماتوم داد. برای قبول اولتیماتوم رضایت مجلس لازم بود و برای این کار یا باید از مجلس اختیار تام توسط وزراء گرفته می‌شد و یا آنکه مجلس را از رسمیت می‌انداختند. برای عملی کردن نظر اول وزراء به مجلس رفته و تقاضای خود را به اطلاع نمایندگان رسانیدند، ولی مجلس با تقاضای دولت موافقت نکرد و از دادن اختیار سر باز زد (ملک‌زاده، ۷/۱۳۶۳: ۱۴۷۰). نظر دوم این بود که عده‌ای از وکلای اعتدالی، که با دولت باطناً در قبول اولتیماتوم هم‌عقیده بودند ولی از ترس مردم و سایر همکاران خود در مجلس جرأت اظهار عقیده نداشتند، از نمایندگی استعفا بدهند و عملاً مجلس تعطیل شود و از کار بیفتد (همو، ۱۴۶۹).

پس از چندی، با وجود ایستادگی بعضی افراد، ناصرالملک پیشنهاد وزیران برای بستن مجلس را پذیرفت و اجرای آن را به یفرم واگذاشت (مروارید، ۱۳۷۷: ۲۷۵). بدین سان مجلس دوم تعطیل شد و دستگاه مشروطه برچیده شد. در این خصوص باید گفت که علاوه بر نبود انعطاف در رفتار شوستر و اصلاح‌طلبان، زیرساخت اجتماعی و سیاسی



نخبگان سیاسی کشور ارتجاعی‌تر و محافظه‌کارانه‌تر شده بود. اگرچه دولت ایران مشروطه بود، اما خاستگاه اجتماعی این نخبگان، که عمدتاً عناصر ایلی و بزرگ‌مالکان بودند، محافظه‌کارانه‌تر از قبل هم شده بود (فوران، ۱۳۷۸: ۲۹۳). پس از آنکه در روز دوشنبه سوم محرم ۱۳۳۰ ق/ ۲۵ دسامبر ۱۹۱۱ م خبر انحلال مجلس و اعلام حکومت نظامی به گوش مردم رسید، مردم سخت برآشفته شدند (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۷/۱۴۷۴). به هر حال چون اولتیماتوم رسماً از طرف دولت پذیرفته شد و کاری هم از دست کسی ساخته نبود، مجلس نیز به تعطیلی کشانده شد و ناامیدی مردم را در بر گرفت. ناصرالملک با انحلال مجلس دوم خودکامگی را آغاز کرد و به دنبال آن عده کثیری از مخالفان را دستگیر کرد و سران حزب دموکرات را تبعید کرد (سفری، ۱۳۶۳: ۴۳۸).

### ۱۱. انفصال و اخراج شوستر: پیروزی سنت بر تجدد

شوستر در مقابل تحریکات روس و انگلیس سخت ایستاد و آنچه را مضرّ به حال ایران بود در جراید منتشر می‌کرد (سند ۰۷۵۲/۹۵۵ - ۲۲۸۴۱۴۶). در باب خلع او انگلیسی‌ها هم با روس‌ها همفکر بودند (دولت‌آبادی، ۱۳۳۰: ۳/۱۹۷). روز چهارم محرم ۱۳۳۰ ق/ ۲۶ دسامبر ۱۹۱۱ م که شوستر به ملاقات وثوق‌الدوله رفته بود، نامه عزل او به وی تسلیم شد (رضازاده، ۱۳۵۰: ۳۸۹). شوستر در مورد این نامه می‌نویسد که پس از مدتی تفکر به این نتیجه رسید که دیگر از ماندن آمریکایی‌ها در ایران نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود (شوستر، ۱۳۶۲: ۲۵۷). پس از اینکه شوستر رسماً از سمتش عزل شد، خزانه‌داری کل را تحویل معاونش داد و تصمیم خود را دایر بر حرکت از تهران به دولت ایران اطلاع داد. یک روز قبل از حرکتش به حضور شاه نیز رسید و او، ضمن ابراز تأسف، از خدمات و زحمات صادقانه وی تشکر کرد. روز چهارشنبه ۱۹ محرم ۱۳۳۰ ق/ ۱۱ ژانویه ۱۹۱۲ م، بعد از مراسم خداحافظی که از وی در پارک اتابک به نحو باشکوهی به عمل آمد، تهران را به مقصد اروپا ترک کرد. اخراج او به منزله ابر تیره‌ای بود که پرتو امید را پوشانید (مکی، ۱۳۶۲: ۳/۱۰۱). در نتیجه روسها به اهداف خود رسیدند.

اما علاوه بر خصومت روس با وی، دلایل دیگری نیز در اخراج شوستر دخیل بود. همسایه‌های ایران هیچ‌گاه در سیاست خارجی خود اجازه ورود نیروی سومی را نمی‌دادند و تفکر روس‌ها و انگلیسی‌ها این بود که با موفقیت شوستر در ایران وجهه آمریکایی‌ها بالا می‌رود و از محبوبیت آنها کاسته می‌گردد. به همین لحاظ به کارشکنی پرداختند و اقدامات او را تخطئه کردند (رامتین، ۱۳۴۱: ۴۷). از دیگر دلایل مسدود شدن راه پیشرفت شوستر در ایران و نهایتاً اخراج او این بود که او با طبقات بالای جامعه سازشی

نداشت و به زور از آنها مالیات می‌گرفت. این طبقه با هم همدست و متحد شده بودند و مجلس و محافلی را بر ضد مستشاران آمریکایی تشکیل می‌دادند و با روس‌ها و بلژیکی‌ها یک جبهه واحد در مقابل مستشاران آمریکایی و به عبارتی دیگر در مقابل قانون و ملت ایران تشکیل داده بودند و با سرسختی برای از میان بردن مستشاران به مبارزه می‌پرداختند (ملکزاده، ۱۳۶۳/۶: ۱۳۷۲). پس از اخراج شوستر، مستخدمین اجنبی راه و رسم ماندگاری را در اطاعت از روس و انگلیس و رعایت جانب ملاکان و فراریان از مالیات دانستند (دولت‌آبادی، ۱۳۳۰: ۱۹۹؛ ملکزاده، ۱۳۶۳/۶: ۱۵۰۹). این مقطع از تاریخ نیز با شکست‌های پی در پی تجدد در برابر جامعه سنتی خواهان ثبات وضع موجود به پایان آمد. حقیقت آن بود که شوستر نماینده طیفی از مجریان قانون بود که علاقه‌ای به سازش‌ها و روابط پنهان جامعه شرقی ایران نداشت و شاید این سازش‌ها و روابط را عین گریز از قانون می‌دانست. پس در چنین تحلیلی است که در برابر این رسوم و سنن با جدیت ایستاد.

## ۱۲. نتیجه

با توجه به لزوم انجام اصلاحات در جامعه ایران بعد از پیروزی مشروطه خواهان، دعوت از کسانی که منافع استعماری در این کشور نداشتند مورد توجه نخبگان سیاسی قرار گرفت. با بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران مجلس دوم این مسئله واقعیتهای مسلم بود که جامعه ایرانی با فرضیه اصلاحات از دیدگاه نظری موافقت نشان داد، اما به محض عملی شدن آن موضعی چندلایه و عمدتاً مخالف در جامعه بر ضد آن به وجود آمد. با قبول وجود جدال مداوم بین سنت و تجدد در تاریخ معاصر ایران، این اصلاحات نیز گوشه‌ای از این چالش به حساب می‌آمد. با وجود این روند نسبتاً بلندمدت، اصلاحات شوستر نیز مانند سایر موارد داخلی و خارجی آن محکوم به شکست بود. تمایلات سیاسی و نظامی دو قدرت روس و انگلیس، که با قرارداد ۱۹۰۷ م علناً تثبیت و مشخص شده بود، زیربنای اعمال سیاسی در داخل ایران را تشکیل می‌داد، به طوری که جریانات مربوط به مشروطیت و اخراج محمد علی شاه و همچنین طرح مسئله اصلاحات می‌بایست در این قالب سیاسی صورت می‌گرفت. حال ورود یک آمریکایی تازه از راه-رسیده با اقدامات جدی برای گرفتن مالیات نمی‌توانست این قانون را بر هم زند و طبعاً مخالفت این دو نیروی مشخص را در پی داشت. نظارت بر گمرکات و تمرکز مالی منابع روس‌ها را در شمال تحت‌الشعاع قرار داد. برکناری مرنارد، مستشار بلژیکی، و رأی اطمینان به شوستر روس‌ها را تحریک نمود و اولین بهانه زمانی به دست روس‌ها افتاد

که شوستر با صاحب‌نفوذان قاجاری تابع روس، شعاع‌السلطنه و علاءالدوله، بر سر اخذ مالیات درافتاد و از سوی دیگر با انتصاب لکفر، مستشار انگلیسی، برای رسیدگی به حساب‌های آذربایجان قرارداد ۱۹۰۷ را نادیده گرفت. در این بین، عدم اتفاق دو حزب دموکرات و اعتدالی در خصوص حمایت از اقدامات شوستر و چرخش‌های مکرر دولتمردان (صمصام‌السلطنه) طرح شوستر را برای احیای وضع اقتصادی مناسب به شکست کشانید. نوع برخورد و نگاه مورگان شوستر به اوضاع ایران، که می‌توان آن را یک نگاه ایده‌آلیستی به حساب آورد، در ایران نه طرفداران زیادی داشت و نه می‌توانست کسان زیادی را به سوی خود جذب نماید. شوستر اثرات شوم رشوه را دریافته بود، اما کاربرد عجیب آن را در میان ایرانیان درک نمی‌کرد. او استبداد را مانع بزرگ توسعه و اصلاحات می‌دانست، اما چاره‌اساسی آن را در اختیار نداشت. در روند این اصلاحات او از یک سو با نیروهای محافظه‌کار داخلی وابسته و از سوی دیگر با طرف‌های قرارداد ۱۹۰۷ به چالش سختی افتاد و سرانجام به بن‌بست اولتیماتوم روس علیه ایران گرفتار آمد. مورگان شوستر مورد حمایت انگلیس یا حتی دولت آمریکا نبود. انگلیس با روس‌ها قرارداد ۱۹۰۷ را امضا کرده بود و قادر نبود تغییر موضع بدهد و حتی انتصاب استوکس به فرماندهی ژاندارمری خزانه و لکفر به حسابرسی آذربایجان انگلیسی‌ها را تحریک نمود و از سوی دیگر دولت آمریکا علناً اقدامات شوستر را به خود وی مربوط دانست و این مانع از ورود یک نیرو سوم تازه‌نفس و قدرتمند برای مهار آن دو نیرو (روس و انگلیس) بود و سرانجام با فشار منابع مختلف سنتی، شوستر نیز از خدمت دولت ایران منفصل و اخراج گردید. حقیقت آن بود که ضربات مکرر اتحادیه سنت، که بر عدم پرداخت مالیات، مخفی‌کاری‌های متعدد، ارتباط با قدرت‌های خارجی و رواج پدیده تحت‌الحمایگی و دخالت‌های روس و انگلیس متکی بود، هرگونه اصلاح در امور مالی را تقریباً با شکست روبرو می‌نمود.

## منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۸)، *ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی*، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیر شانه چی، تهران، نشر مرکز.
- آوری، پیتر (۱۳۶۳)، *تاریخ معاصر ایران*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، ج ۱، تهران، عطایی.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱)، *پیدایش و تحول سیاسی احزاب مشروطیت*، تهران، نشر گستره.
- اوکانر، فردریک (۱۳۷۶)، *خاطرات*، ترجمه حسن زنگنه، تهران، نشر شیرازه.
- براون، ادوارد (۱۳۵۱)، *نامه‌هایی از تبریز*، ترجمه حسن جوادی، خوارزمی، تهران.
- کتاب آبی، *گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان درباره انقلاب مشروطیت* (۱۳۶۲)، به کوشش احمد بشیری، ج ۶، تهران، نشر نو.

- بهار، محمد تقی (۱۳۵۷)، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی*، تهران، امیرکبیر.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۳۰)، *حیات یحیی*، ج ۳، تهران، ابن سینا.
- دهخوارقانی، رضا (۱۳۶۵)، *وقایع ناصری و توضیح مرام*، تهران، دنیا.
- رامتین، حسین (۱۳۴۱)، *آمریکائی‌ها در ایران*، تهران، نشر باما.
- رضا زاده، رحیم (۱۳۵۰)، *تاریخ روابط ایران و ممالک متحده آمریکا*، تهران، طهوری.
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸)، *تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ ۱۹۲۵-۱۹۰۰* م، تهران، پازنگ.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، سند ۱۱۹۴۶/۲۴۰ - ۱۱۹۳۴/۱/۱۳ وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۲۸۹-۱۲۹۰ در خصوص استخدام متخصصین آمریکایی در وزارت دارایی، شوستر، ویلیام مورگان، ۱۸۷۷-۱۹۶۰ م، آرشیو اسناد ملی (ش ف: ۰۲۴۹۰۰۰۶).
- سند ۲۴۹۸/۲۹۳-۱۱۰۸۷/۱/۱۲ در خصوص اعتراض مورگان شوستر به قوام‌السلطنه در مورد ایراد ضرب و جرح معاون مالیه توسط شهاب‌السلطنه، ۱۳۲۹-۱۳۲۸ ق.ق، آرشیو ملی ایران (ش ف: ۰۰۱۸۰۱۵۵).
- سند ۲۶۲۰/۲۹۳-۱۱۲۰۹/۱/۱۲، ارسال صورت مواجب و مخارج شهرداری، مکاتبه شوستر با وزارت کشور در زمینه علت توقیف وجوه مصروفی شهرداری، ۱۳۲۹ ق.ق، وزارت کشور (ش ف: ۰۰۱۹۰۰۴۵).
- سند ۶۱۰۴/۲۴۰-۶۰۹۵/۱/۱۳، در خصوص استفسار شوستر از وزارت خارجه در خصوص انحصار یا عدم انحصاری بودن تنباکو در ایران، ۱۳۱۱ ق (ش ف، ۰۱۱۷۰۰۲۸).
- سند ۱۷۲۱۱/۲۴۰-۱۷۰۷۰/۱/۱۳، انتصاب مورگان شوستر به‌عنوان مسؤول اموال وزارت دارایی، ۱۳۰۵ ش (ش ف ۰۳۰۶۰۰۴۹).
- سند ۲۶۱۰/۲۹۳-۱۱۱۹۹/۱/۱۲ در خصوص درخواست مورگان شوستر از وزارت کشور مبنی بر جلوگیری از اخلال در امر مالیه دولت (ش ف: ۰۰۱۹۰۰۳۵).
- سند ۲۶۱۲/۲۹۳-۱۱۲۰۱/۱/۱۲ در خصوص درخواست مورگان شوستر مبنی بر اخذ وجوه مالیاتی (ش ف: ۰۰۱۹۰۰۳۷).
- سند ۱۹۲/۳۶۰-۳۱۲ آ ۲ آ و ۱، شکایت یکی از اتباع روسیه از خزانه‌داری کل (مورگان شوستر) به جهت منع حمل ذغال سنگ به شهر و تقاضای پرداخت خسارت به وی، ۱۳۳۱ ق (ش ف: ۰۰۰۲۰۰۳۷).
- سند ۴۳۲۸/۲۴۰-۴۳۲۳/۱/۱۳، مشورت با آقای شوستر، خزانه‌داری کل، در خصوص لایحه قانونی استخدام اجزای ادارات دولتی، ۱۳۲۹ ق (ش ف: ۰۰۷۸۰۰۶۰).
- سند ۰۷۵۲/۹۵۵-۲۲۸۴۱۴۶، مکتوب مستر شوستر، خزانه‌دار کل ایران، به‌عنوان روزنامه طایمس راجع به مناسبات دولت ایران با دولتین روس و انگلیس، ۲۱ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ شوال ۱۳۲۹، طهران، مطبع حبل‌المتین.
- سند ۱۵۳۸۴/۵۹۲۳ در خصوص بررسی لوایح قانونی معادن و جنگلها، ۱۳۲۹.
- سند ۲۷۰۶/۲۹۳-۱۱۲۹/۱/۱۲، در خصوص تصرف باغ شعاع‌السلطنه توسط قزاق‌های روس و گزارش مورگان شوستر مبنی بر ذخیره اسلحه و گندم در این باغ (ش ف: ۰۰۱۹۰۱۵۶).

سازمان اسناد سیاسی ایران، اسناد شماره ۱۹/۱۵۶/۲ و ۱۹/۱۵۶/۱.

\_\_\_\_\_ اسناد شماره ۱۹/۱۵۶/۶ و ۱۹/۱۵۶/۸.

\_\_\_\_\_ سند شماره ۲۴۹/۶/۶.

\_\_\_\_\_ سند شماره ۲۴۹/۶/۶.

\_\_\_\_\_ سند شماره ۱۴۷/۶/۵.

\_\_\_\_\_ سند شماره ۲۴۹/۶/۲.

\_\_\_\_\_ سند شماره ۲۴۹/۶/۱.

سفری، محمد علی (۱۳۶۳)، *مشروطه‌سازان*، تهران، علم.

شوستر، مورگان (۱۳۶۲)، *اختناقی ایران*، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، تهران، صفی علی شاه.

فوران، جان (۱۳۷۸)، *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا.

کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۵۴)، *روس و انگلیس در ایران*، تهران، امیرکبیر.

کسروی، احمد (۱۳۴۶)، *تاریخ هجده‌ساله آذربایجان*، تهران، امیرکبیر.

کوهی کرمانی، حسین (۱۳۶۳)، *از شهریور ۱۳۳۰ تا فاجعه آذربایجان و زنجان*، تهران، مهرآیین.

کیانفر، عین‌الله و پروین استخری (۱۳۲۹)، *کشف تلبیس یا دورویی و نیرنگ انگلیس*، تهران، زرین.

*مذاکرات مجلس شورای ملی*، دوره دوم، مذاکرات مجلس دوم.

مروارید، یونس (۱۳۷۷)، *ادوار مجالس قانونگذاری در دوران مشروطیت*، تهران، اوحدی.

مستوفی، عبدالله (۱۳۴۴)، *شرح زندگانی من*، تهران، علمی.

مکی، حسین (۱۳۶۲)، *تاریخ بیست‌ساله ایران*، تهران، ناشر.

مکی، حسین (۱۳۵۸)، *مدرس قهرمان آزادی*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۳)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران، علمی.

میراحمدی، مریم (۱۳۶۸)، *پژوهشی در تاریخ معاصر ایران*، مشهد، آستان قدس.

میلسپو، آرتور (۱۳۷۰)، *آمریکائی‌ها در ایران*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر البرز.

نوابی، عبدالحسین (۲۵۳۵)، *دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم*، تهران، بابک.

یکتایی، مجید (۱۳۵۵)، *تاریخ داریی ایران*، تهران، علمی.

Reinsch, P. S., 1912, "Diplomatic Affairs and International Law 1911," *The American Political Science Review*, Vol. 6, No. 1, pp. 17-40.

Archive of SID